مطالعات محیطی هفت حصار شماره هجدهم/ سال پنجم/ زمستان ۱۳۹۵
صفحات ۶۸-۵۳

خیابان مداری؛ رویکردی نو در بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: ساوه)

شیدا حقیریان *، محمد سعید ایزدی، مهرداد کریمی مشاور***، اسداله نقدی******

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۱۵

چکیده

سکونتگاه‌های غیر رسمی، از مسائل جهان امروز است. در ادوار مختلف، راهکارهای گوناگونی برای حل این معضل در پیش گرفته شد. با توجه به ابعاد گسترده مشکلات در این محلات، راهکاری همه جانبه که بتواند محدوده هدف را در جمیع ابعاد ارتقا بخشد مد نظر است. از جمله کاستی‌های این محدوده‌ها، فضاهای عمومی در دسترس است. علی رغم اهمیت این فضاها، بحث و پژوهش در این خصوص مورد بی مهری قرار گرفته است. با در نظر داشتن رویکرد متاخر مرمت شهری که بازآفرینی است، این مقاله استفاده از پتانسیل‌های متعدد فضاهای بازعمومی و بالاخص خیابان را–به عنوان مهم ترین فضای باز عمومی در این سکونتگاه‌ها–مورد توجه قرار داده و نهایتا خلق و بهسازی این فضاها را به عنوان محرک بازآفرینی در یکی از محلات هدف شهر ساوه، دنبال نموده است. راهبرد تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی و با رویه‌های مصاحبه، مشاهده و برداشت‌های میدانی همراه بوده است. اصل اساسی، دخیل نمودن حداکثری ساکنین در فرآیند طراحی است. چرا که بازآفرینی پیوندی ناگسستنی با مشارکت دارد. بررسی‌ها در محله هدف (محله عباس آباد ساوه) نشان داد که فضاهای عمومی این محله نامناسب بوده و محله نسبت به ساختار شهری در انزوا به سر می‌برد. براساس مصاحبه‌ها، اهمیت ساماندهی فضاهای عمومی و خصوصا خیابان‌های محله از دیدگاه اهالی و درصد تمایلشان به مشارکت برای برنامه ریزی و طراحی این فضاها بالاست. با تکیه بر این مشارکت و نتایج مصاحبه‌ها و جلسات اولویت گذاری خیابان‌ها، طراحی خیابان مورد نظر انجام شد.

واژگان کلیدی

سکونتگاه‌های غیررسمی، بازآفرینی، فضای عمومی، خیابان، خیابان مداری،ساوه

* کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، sheyda.haghirian@gmail.com
** استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، saeidizadi@gmail.com
*** استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، mkmoshaver@yahoo.com
**** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، naghdi219@gmail.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

مقدمه

در سال‌های اخیر، روند شهرنشینی در جهان رشد چشمگیری داشته است. در نتیجه شکل‌گیری عوامل رانش در روستاها و جاذب در شهرها، خیل عظیمی از روستاییان به شهرها مهاجرت کرده و در صدد یافتن سرپناه هستند. اما اغلب در بازار رسمی، زمین و مسکن با قیمت‌هایی فراتر از توان مهاجران عرضه می‌گردد و همین امر به بروز مشکل حاشیه‌نشینی در شهرها می‌انجامد. حاشیه‌نشینی از جمله مشکلات و مسائل بحرانی زمان ماست. کشور ما نیز در چند دهه اخیر با این مساله دست به گریبان بوده که در این میان سهم کلان شهرها و شهرهای صنعتی بسیار قابل توجه بوده است. شهر ساوه نیز به دنبال اتخاذ سیاست‌های دولتی در سال‌های ۱۳۵۵– ۵۶، چهره یک شهر صنعتی را به خود گرفته و حاشیه‌نشینی در صدرمشکلات این شهر می‌باشد.

در دوره‌های مختلف راهکارهای گوناگونی برای حل معضل حاشیه‌نشینی توسط دولت‌ها در دستور کار قرار گرفته است که هریک از آن‌ها با نقاط ضعف و کاستی‌هایی همراه بوده است. آنچه که امروز در ادبیات دنیا مورد پذیرش واقع شده است، رویکرد بازآفرینی است. این رویکرد ضمن تعدیل نواقص رویکردهای پیشین، سعی در برخوردی همه‌جانبه و کل‌نگر به موضوع دارد. مسائل و مشکلات عدیده‌ای در بطن حاشیه‌نشینی وجود دارد که یکی از نارسایی‌ها و مشکلات، کیفیت پایین فضاهای عمومی– از جمله خیابان به عنوان شاخص ترین فضای عمومی– می‌باشد. خیابان در این مناطق نقشی به مراتب پررنگ تر از سایر نقاط شهری دارد. چرا که به عنوان فضایی اجتماعی – اقتصادی عمل کرده و برای ساکنان، تنها مامن اجتماعی و زندگی جمعی است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت خیابان عنصری است که از طریق ارتقا کیفیت و بهسازی آن، می‌توان سطح زندگی در این مناطق را بهبود بخشیده و این مناطق را به مکان‌های بهتری برای زندگی تبدیل کرد. پس از مرور ادبیات مرتبط با اسکان غیررسمی به وضوح می‌توان در یافت که همواره بحث در خصوص فضاهای باز عمومی خصوصا خیابان در این محدوده‌ها به فراموشی سپرده شده است. در نتیجه لزوم توجه به خیابان و ارتقا کیفیت آن در این مناطق به منظور دستیابی به شرایطی بهتر در جمیع ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... رخ می‌نماید.

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش و اهمیت خیابان به عنوان مهم ترین فضای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی و همچنین چگونگی انجام اقدامات صحیح جهت بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی است. جمع آوری اطلاعات و ادبیات موضوع به شیوه توصیفی صورت گرفته است و در بخش تدقیق مدل پژوهش در نمونه موردی، داده‌ها با تکیه بر شاخص‌ها و معیارهای تحقیق، جمع آوری شده و با تکنیک سوات تحلیل شده است. در نهایت طراحی با تکیه بر این نتایج و تحلیل‌ها صورت گرفت.

در پژوهش حاضر آنچه که به دنبال پاسخگویی بدان هستیم، این است که خیابان به عنوان مهمترین فضای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی، چه نقش‌هایی را داراست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و چگونه می‌توان از طریق ارتقا خیابان‌ها در سکونتگاه‌های غیر رسمی، به فرآیند بازآفرینی این محلات کمک کرد؟

ادبیات نظری

واژه غیر رسمی را برای اولین بار کیت‌هارت در سال ۱۹۷۱ در یک تحقیق کلاسیک درباره اقتصاد کشور غنا، به مباحث جغرافیایی و اقتصاد وارد کرد و از آن به بعد عنوان بخش غیر رسمی در مقابل بخش رسمی قرار می‌گیرد (شکویی، ۱۳۷۳: ۶۴). سکونتگاه‌های غیر رسمی بر اساس تعریف سازمان ملل متحد به سکونتگاه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن واحدهایی از مسکن ساخته شده که ساکنین ادعای حقوقی در قبال آن ندارند یا به طور غیر قانونی اشغال شدند و یا سکونتگاه‌ها و مناطقی که با برنامه ریزی‌ها و آیین نامه‌های موجود غیر مجاز خوانده می‌شوند (WHO,1999). پیران معتقد است که اسکان غیر رسمی ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و قول و قرارهای خاص خود، مسکن را تهیه می‌کنند و مسکن به دست خود ساکنان این گونه مکان‌ها ساخته شده است (پیران، ۱۳۸۲ : ۸). در مجموع اسکان غیر رسمی به مثابه یکی از چهره‌های بارز فقر شهری تعریف شده است که درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و همان پدیده‌ای است که با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و اجتماعات آلونکی خوانده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱ ج : ۵). براساس برآوردهای سازمانهای بین‌المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها و حاشیه های شهری یا به‌صورت اسـکان غیررسـمی زندگی می‌کنند(نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

این سکونتگاه‌ها در تمامی و یا قالب جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار، نحوه شکل گیری و مسیر تحولات تاریخی با کل شهر و بخش‌های مجاور خود تفاوت اساسی و فاحشی دارد (داوودپور،۱۳۸۴: ۳۸). هر چند شاید نتوان به یک

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

تعریف جامع و فراگیر در توصیف ویژگی‌های این نواحی رسید که تمامی وجوه حاکم بر این مناطق را بازگو نماید (داداش پور و علیزاده،۱۳۹۰؛۳۶)، اما به دلیل گستردگی پدیده حاشیه‌نشینی در اغلب شهرها و خصوصا شهرهای بزرگ برای آن که بتوان تصویری جامع ودر عین حال تعمیم پذیر برای تمامی سکونتگاه‌های غیر رسمی به دست داد، برخی از محققین خصوصیاتی را برای آن برشمرده‌اند (Srinivas, 1997).

جدول ۱: شاخص‌های شناسایی سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران

نوع معیار	معیار
کالبدی	۱) ریخت شناسی و فرم بافت ۲) ابعاد فیزیکی مسکن ۳) نوع مصالح به کار رفته ۴) فقر کالبدی ۵) تراکم بالای مسکونی ۶) شکل بافت ۷) انسجام بافت و مقاومت آن در برابر زلزله ۸) مکان گزینی مسکن ۹) دسترسی به کاربری‌های عمومی ۱۰) نسبت برخورداری از انشعاب فاضلاب ۱۱) دسترسی به شبکه‌های زیر ساختی ۱۲) شکل و فرم و سلسله مراتب شبکه‌های دسترسی
اجتماعی- فرهنگی	۱) جمعیت مهاجرین ۲) ناهنجاری‌های اجتماعی ۳) عدم امنیت محیط
اقتصادی	۱) ارزش نسبی زمین و مسکن ۲) میزان تمایل به بهبود وضعیت مسکن ۳) منبع درآمدی ۴) مکان گزینی دهک‌های پایین درآمدی ۵) نوع فعالیت‌های اقتصادی رایج در این محلات
حقوقی	۱) نوع سند مالکیت ۲) نحوه تفکیک و طبقه بندی
کارکردی و عملکردی	۱) میزان دسترسی به فضای خدماتی ۲) شبکه‌های دسترسی ۳) میزان نفوذپذیری شبکه ها ۴) میزان خدمات شهری و عمومی
زیست محیطی	۱) سیستم دفع فاضلاب ۲) میزان نگهداری دام در منازل

منبع: صداقت رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹-۱۱۳

از اوایل قرن بیستم که مساله سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد توجه جدی قرار گرفت، رویکردهای مختلفی برای حل مساله اسکان غیر رسمی در دستور کار قرار گرفت. رویکردهای مداخله در سکونتگاه‌های غیررسمی را می توان در قالب سه دوره زمانی زیر تفکیک کرد:

جدول ۲: رویکردهای رایج مواجه با سکونتگاه‌های غیررسمی در دوره‌های مختلف

دهه	رویکردها	مبانی فکری	نقاط ضعف
دهه ۱۹۶۰	رویکرد نادیده گرفتن	حداقل دخالت دولت در امر مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی با توسعه اقتصادی، مشکل نابهنجار و فقر به طور عام برطرف خواهد شد.	سال‌ها چشم پوشی از سکونتگاه‌های غیر رسمی در بسیاری از کشورها نه تنها با کاهش همراه نبوده، بلکه ابعاد آن در بیشتر کشورها هر چه گسترده تر شد.
	رویکرد حذف و تخلیه اجباری	رویکرد تخریب در نظام‌های محافظه کار جهان سوم، با نگرش از بالا و رویکردهای پدرسالاری. زیباسازی و بهسازی شهری، مبارزه با مشکلات بهداشتی و مبارزه با مشکلات و مسائل اجتماعی و جرم خیزی	گشودن فضا برای ساخت و ساز و به دست آوردن فضای ارزشمند جلوگیری از مواجه ثروتمندات و فقرا و سازماندهی مجدد فضا به سود ثروتمندان. تخلیه اجباری، فقرا را از سرمایه اقتصادی و اجتماعی موجود محروم می‌کند، هرگز فقر را کاهش نمی دهد بلکه فقر زاست
	رویکرد مسکن عمومی	ساخت و تحویل مسکن کامل به نیازمندان	این طرحها حتی با حداقل معیارها، چنان پرهزینه بود که امکان تعمیم آن به تمام گروه‌های نیازمند غیرممکن بود گروه‌هایی که درآمد بالاتری داشتند از این مساکن استفاده کردند

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

دهه ۱۹۷۰	رویکرد مکان و خدمات	آباد کردن زمین جدید و تقسیم به قطعات مسکونی دارای خدمات رسانی	معمولا در شامل شدن یک یا چند جزء همچون مراکز فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به دلیل کمبود منابع مالی و نبود فعالیت‌های درآمدزا ناکام بوده اند. از نظر استانداردها اغلب بر استانداردهایی که برای فقرا بسیار پرهزینه است تاکید می‌شود. و...
	رویکرد ارتقا بخشی(بهسازی)	شروعی برای به رسمیت شناختن حق شهروندی و حق زندگی فقرا در شهر ساختار اجتماعی موجود را نگه می‌دارد، نظام اقتصادی را برهم نمی ریزد، مسکن با هزینه کم را حفظ می‌کند	اجرای آرام و ضعیف و ناکافی بودن مشارکت علمی استانداردهای ناکافی زیرساخت‌ها و گران بودن برای تعمیم و گسترش آن، ضعف در بازگشت هزینه و...
	رویکرد توسعه اندک افزا(افزایشی)	طرح زمین و خدمات فاقد خدمات مسئولان مردم را ترغیب می‌کنند تا از طریق پس انداز به تدریج مسکن را ساخته و خدمات را تدارک ببیند	
	خودیاری	استفاده از نیروی کار، مهارت‌ها، سازماندهی استعداد و توان مدیریت خانوار در ساخت و بهسازی واحد مسکونی خود به ایجاد مسکن ارزان و پائین تر از نرخ بازار، مشارکت مستقیم فقرای شهری، مشارکت تمامی برنامه‌های اجتماعی از سطح بین المللی تا محلی، ایجاد مسکن مناسب و...	زمینی که فقرا بر روی آن زندگی می‌کنند متعلق به آنان نیست و مالکیت آن از آن دیگری می‌باشد ارائه کارشناسی فنی و کتاب‌های راهنمای خودیاری، از مشخصات فنی مناسب تا سیاست‌های زمین توسط دولت
دهه ۱۹۸۰	رویکرد ارتقا محیطی	در این رویکرد به جای توسل به تخریب و پاکسازی کامل این نواحی، گرایش به آن است که زیرساخت‌هایی چون آب و فاضلاب برای آنها فراهم آید ساختار اجتماعی موجود را نگه می‌دارد، نظام برنامه ریزی را بر هم نمی ریزید، مشکلات و پیامدهای تجدید اسکان را به همراه ندارد و...	ناکافی بودن مشارکت محلی، استانداردهای ناکافی زیر ساخت‌ها و گران بودن برای تعمیم دادن آن، ضعف در بازگشت هزینه، وجود نظام برنامه ریزی و اجرایی متمرکز
	رویکرد توانمندسازی	دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می‌یابند ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه بخش مسکن	این روش، مستلزم پشتیبانی مبتنی بر آموزش، کمک‌های سازمانی، امور مالی و مدیریت و به علاوه تمرکز زدایی پیچیده از دولت‌های محلی و یا مشارکت سازمان‌های غیر دولتی است

به رغم تمام رویکردهای اتخاذ شده تا به حال شرایط محیطی سکونتگاه‌های غیر رسمی به صورت چشم گیر تغییر حاصل نکرده است.چنانکه حمدی و گتهورت در انتقادی که بر برخی از این رویکردها به عنوان روش‌های سنتی و قدیمی برنامه ریزی کرده اند،آنها

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

را روش‌هایی شکست خورده جهت بهبود وضعیت زیست فقرا خوانده اند. به بیان این دو، برخی از رویکردها به جای ترویج خودکفایی، وابستگی را ترویج کرده اند و به علاوه با گفتن اینکه، این روش‌ها خارج از آهنگ حرکت و به طور کلی عدم پاسخگوی نیازها و شرایط شهرها در کشورهای در حال توسعه و به خصوص فقرای شهری هستند،این رویکردها را به چالش کشیدند(Hamdi & Goethert, 1997: 8).

در ادبیات اخیر دنیا، واژه بازآفرینی شهری به عنوان عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی شهری را دربر می‌گیرد، به کار می‌رود(Lichfield, 2000). بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد فیزیکی به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند(Robert & Sykes, 2000: 140) و در پی ایجاد وضعیتی پایدار در اقتصاد، کالبد، اجتماع و محیط است(Urban Task Force, 1990: 178-179). از سوی دیگر موضوع بازآفرینی شهری ارتباط مستقیمی با عرصه و قلمرو عمومی دارد(کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). فضاهای عمومی در شهر زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را باهم مرتبط می‌سازد(پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). نقش فضاهای باز در سکونتگاه‌های غیر رسمی از همان مراحل اولیهٔ سکونتگاه‌ها، نقش قابل توجهی است (H-Garcia, 2010: 263). خیابان‌ها، واحد پایهٔ فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی اندکه جهت فعالیت‌های اقتصادی و ارتباطی به کار گرفته می‌شوند و بعلاوه بیشتر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق آنها با هم پیوند می‌خورند(H- Garcia, 2012). افرادی که در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و در محلات به فعالیت می‌پردازند، اغلب وابستگی و پیوستگی قوی و شدیدتری به خیابان محلی خود دارند. در اکثر زاغه‌ها، فضاهای باز محدود بوده و نشان میدهد که اعضای جامعه به موازات خیابان‌ها باهم ملاقات کرده و اجتماعی می‌شوند و این امر بدین دلیل است که گزینه‌های دیگری برای افراد وجود ندارد(UN-HABITAT, 2011). در واقع خیابان‌ها در زاغه‌ها به نسبت دیگر محلات شهری از کارکردهای بیشتری برخوردارند(UN-HABITAT, 2012b: 14)

خیابان مداری؛ رویکردی نوین در راستای تحقق بازآفرینی سکونتگاه‌ها

بنیاد UN-HABITAT اخیرا در مورد بهسازی زاغه‌ها تغییری در روند خود ایجاد کرده و به «رویکرد خیابان مدار» تمایل پیدا کرده است. در این رویکرد بطور کلی خیابان‌ها پایه و اساس توسعه شهری بوده و بطور اختصاصی در بازآفرینی زاغه‌ها مدنظر قرار می‌گیرند(UN-HABITAT, 2011).

در رویکرد خیابان مداری، مناطق حاشیه نشین به عنوان آبستن فقر، غیررسمی و غیرقانونی بودن تلقی نمی شوند. بلکه محل‌های محروم و فقیری هستند که بخش جدایی ناپذیر از سیستم شهر بوده اما به دلیل عدم وجود خیابان و فضای باز از سیستم شهری جدا افتاده و منفصل شده اند.بازگشایی خیابان‌های جدید یا تقویت و ارتقا خیابان‌های موجود و محل‌های دسترسی را باید به مثابه امری لازم و بایسته در اقدامات بهسازی زاغه‌ها تلقی کرد که درصدد ادغام مناطق حاشیه نشین در مدیریت و برنامه ریزی شهری و ایجاد و پرورش بازآفرینی شهری می‌باشد(UN-HABITAT, 2012b).

این رویکرد، رویکردی صریح، روشن و ساده است که طرح سکونتگاه‌ها را توجیه کرده و الگوهای شهری فضایی خلق می‌کند که الزاماً زاغه‌ها را به محله‌های شهری مبدل می‌سازد و بواسطه پروسه تلفیق فیزیکی زاغه‌ها با مناطق شهری بزرگ تر که در آن خیابان‌ها و فضای عمومی به مثابه مجراهای اصلی تحول اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند، اقتصاد زاغه و شهر را به هم مرتبط ساخته و این امر در کل به سود شهر است. این رویکرد توسعه مترقی را تأیید کرده و مشارکت را ضمانت و تقویت می‌کند و برای همکاری و هم راستایی خواست و عزم سیاسی، محلی و ملی بسیار مفید و مناسب است و با تلفیق و ادغام این سکونت گاه‌ها به لحاظ فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی درصدد آنست که سطح کیفی زندگی شهری مردم را ارتقا بخشیده و راندمان و کارآیی اقتصادی شهرها را بالا ببرد. پس این رویکرد، نمونه کاری را برای بهسازی زاغه‌ها بوجود می‌آورد که بسیار متفاوت از رفاه معمولی و سمت و سوی بهداشتی رویکردهای پیشین است(UN-HABITAT, 2012b: 13).

این رویکرد که بر مبنای اولویت بندی خیابان‌ها پایه ریزی شده، این اطمینان را به وجود می‌آورد که با گزینش استراتژیک، خیابان‌هایی را در اولویت قرار می‌دهد که احتمالاً بهترین بازده و خروجی را در رابطه با فرصت‌های توسعه، کاهش فقر، بهینه سازی کاربری زمین و تولید ثروت به ارمغان می‌آورند (UN-HABITAT, 2012b) و برای این انتخاب به موارد ذیل بنحوی دقت می‌شود: اقتصاد، قابلیت دسترسی، بهره مندی از کاربری زمین و تولید ثروت در نتیجه افزایش ارزش املاک(UN-HABITAT, 2012b: 17).

المان‌ها و عناصر اساسی برای بهسازی زاغه‌ها از طریق رویکرد خیابان مدار به شرح زیر است:

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

- تمرکز بر خیابان‌ها و طراحی شهری سکونتگاه‌ها به عنوان عامل محرکه تحول و تغییر و بازآفرینی.
- به حداکثر رساندن مشارکت شهروندان و برنامه ریزی مشارکتی.
- تأکید بر اهمیت نقشه برداری از طریق شمارش مشارکتی و فرم‌های نقشه برداری فیزیکی و اجتماعی که به لحاظ محلی مورد تأیید باشند.
- تهیه و تأمین زیرساخت‌های پایه، آب لوله کشی، شبکه فاضلاب و بهداشت.
- تخصیص زمین برای تهیه و تأمین خانه‌های جدید و جابجایی.
- حصوص اطمینان از امنیت و ضمانت تصرف زمین در زاغه‌ها که نهایتاً به قانونی سازی و ساماندهی سکونتگاه‌ها بیانجامد.
- رویکرد مترقی برای ادغام زاغه‌ها در شهر(UN-HABITAT, 2012b).

تحقق این رویکرد مزایایی را به همراه خواهد داشت که به اختصار شامل موارد زیر می‌باشد:

خیابان مداری و مردم سالاری: تا وقتی که به قشر فقیر شهری رأی مساوی برای به چالش کشیدن برداشت‌های موجود از نقش فضای عمومی و جایگاه و وضع آن در دستورکار اقتصادی و فرهنگی شهرها داده شود، محروم‌سازی همچنان به شکل واکنش سیاسی غالب باقی خواهد ماند(UN-HABITAT,2012a: 41). در پروسه تعبیر یا تفسیر کردن یک فضای جدید، پدیده معاشرت‌پذیری مردم سالارانه بوجود آمده و نوع جدیدی از قلمرو عمومی ممکن می‌شود (Staeheli & Mitchell, 2008). خیابان‌ها بروز و بازنمایی سازمان‌ها و افراد را تسهیل می‌نمایند. زیرا سازمان‌ها و افراد تأثیر مستقیمی بر جامعه دارند. افرادی که علاقمند به تحول و تغییر جامعه فعلی هستند، می‌بایست حق جامعه به خیابان را به مثابه مسئله نفوذ و دموکراسی درنظر بگیرند (Mitchell, 2003).

خیابان مداری و تامین امنیت و حفاظت: شناخت و درک سمت و سو بسیار واجب است. چرا که وقتی گم می‌شویم حس نگرانی و دلواپسی بر ما غالب شده و به همراه گمراهی، حس ترس می‌آید(Tuan, 1974). خیابان‌ها عناصر اصلی و حیاتی بوجود آوردن حس سمت وسو در یک منطقه هستند. راه‌هایی با مبدأ و مقصد مشخص، واضح و شناخته شده از هویت قوی‌تری برخوردار بوده و باعث می‌شوند که بخش‌های مختلف یک منطقه منسجم و یکپارچه باشند(Lynch, 1960). امکان دسترسی به بقیه قسمت‌های شهر و سمت و سو ساده‌تر باعث می‌شود تعداد افرادی که از بیرون وارد مناطق زاغه می‌شوند، بیشتر شود. بدین ترتیب سطح فعالیت‌ها افزایش یافته و شکاف و فاصله اجتماعی و فضایی زاغه‌ها با دیگر مناطق شهری از بین می‌رود (UN-HABITAT, 2011).

خیابان‌ها جنبش و حرکت و فعالیت مردم را در خود جای داده و از آنجا که حضور افراد در خیابان‌ها باعث پیدایش و بوجود آمدن حس خودبازرسی می‌شود، خیابان‌ها قادرند سطح بالا و قابل ملاحظه‌ای از نظارت و مراقبت طبیعی را پدید آورند (Montgomery, 1998; Gehl, 2006; Lieberg, 1995). از سوی دیگر، از طریق بالا بردن تعاملات و فراهم‌سازی روشنایی و نورپردازی خیابان‌ها، امنیت و حفاظت منطقه تأمین می‌گردد(UN-HABITAT, 2011).

خیابان مداری و رونق و شکوفایی اقتصادی: در زاغه‌ها و حاشیه‌ها، خیابان‌ها و فضاهای عمومی مانند مجرای اصلی و مهم تغییر و تحول اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند(UN-HABITAT, 2012b: 11). در اغلب موارد اقتصاد خیابانی غیررسمی توسط مقامات رسمی به رسمیت شناخته نمی‌شود و به عنوان پدیده فرعی و بی‌نظم و فاقد انسجام قلمداد می‌شود، حتی اگر تعداد زیادی از افراد را به استخدام درآورده باشد(Brown, 2006).

به طور کلی می‌توان گفت اگر نیروی کار محلی به کار گرفته شود، احداث و ساخت عملی و کاربردی خیابان‌ها در مناطق زاغه می‌تواند منجر به رشد و شکوفایی اقتصادی آنی و مستقیم گردد. امکان دسترسی بیشتر افراد خارج از زاغه‌ها به منطقه و ارتباط بیشتر و بهتر با اقتصادهای پیرامون منطقه همچنین می‌تواند به گردش بیشتر پول در منطقه بیانجامد (UN-HABITAT,2012a: 43). به طور کلی می‌توان گفت خیابان‌ها باعث جذب فعالیت‌های اقتصادی، فروشگاه‌ها و خدمات می‌شوند(UN-HABITAT, 2012b).

خیابان مداری و مشارکت: تمرکز بر مسئله خیابان‌ها صحنه مناسبی را برای حضور مؤثر و مثبت دولت محلی، NGOها، مؤسسات و نهادهای خصوصی و سازمان‌های اجتماعی و مدنی در فرآیند تدریجی بازآفرینی شهری فراهم می‌آورد. مشارکت مؤثر و فعال ساکنین و ارگان‌های اجتماعی و محلی در مراحل مختلف فرمول بندی، اولویت بندی به اجرا، پی اجرائی و نگهداری بهسازی زاغه‌ها برای تحقق این رویکرد بسیار کلیدی و حیاتی می‌باشد(UN-HABITAT, 2012b: 2).

در مراحل اولیه برنامه ریزی مشارکتی، خیابان‌ها شناسایی شده و به عنوان بخشی از برنامه بهسازی که بحث شد، اولویت بندی می‌شوند و پیش از آن که پروژه برای اجرا آغاز به کار کند، توسط ساکنین مورد اصلاح و تجدیدنظر و تأیید قرار می‌گیرد. بهسازی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

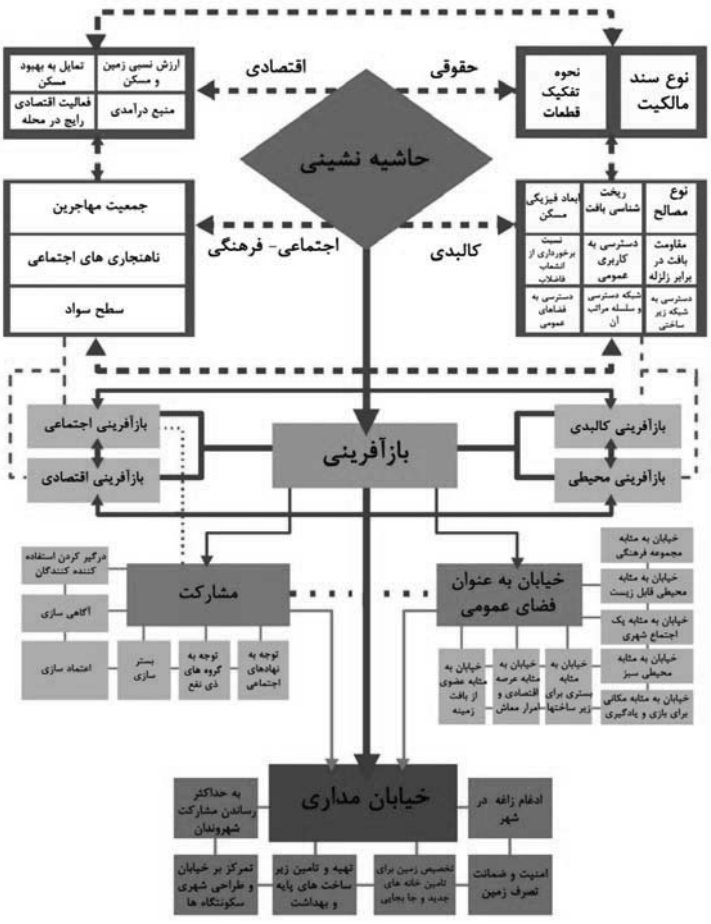
خیابان‌ها فرصت مناسبی را برای اجتماع فراهم می‌آورد تا نه تنها در تعریف سلسله مراتب، طرح و مصالح خیابان بلکه در ساخت و احداث آن نیز سهیم و فعال باشند. حضور فعال گروه‌های اجتماعی در ساخت و احداث خیابان‌ها و زیرساخت‌ها به طور حتم به بالا رفتن سطح کیفی کار منجر می‌شود. چرا که این گروه‌ها مستقیماً کیفیت ساخت خیابان را بررسی کرده و هرگونه نقص و کمبودی را گزارش می‌دهند(UN-HABITAT, 2012b: 18).

خیابان مداری و حقوق شهروندی: ایجاد آدرس خیابان‌ها یکی از رویکردهای مورد پذیرش UN-HABITAT است که با این ادرس گذاری به موقعیت و موجودیت ساکنان زاغه‌ها اعتبار تعلق می‌گیرد. آدرس می‌تواند حصول و اکتساب نمادین حقوق شهروندی و مسئول در شهر باشد(UN-HABITAT, 2012b: 20). نام گذاری خیابان‌ها و شماره گذاری خانه‌ها به پیدایی آدرس فیزیکی و موقعیت‌ها می‌انجامد و باعث می‌شود ساکنان مناطق از آدرس و کدپستی بهره مند شوند (UN-HABITAT, 2012b).

خیابان مداری و امنیت تصرف زمین: خیابان‌ها به یک فضا، اسم و هویت بخشیده و ساماندهی تدریجی و ضمانت و امنیت تصرف را تسهیل و تسریع می‌نماید (UN-HABITAT,2012a: 44). سیاست خیابان محور در راستای عبارت «زنجیره حقوق زمین» دنبال می‌شود که این سلسله مراتب از تصدی و تصرف ادراکی تا حقوق متعارف و مرسوم، سکونت، فعالیت‌ها و جنبش‌های ضد بیرون رانی، مالکیت مغایر، تصدی گروهی، اجاره و مالکیت مطلق ملک داری ثبتی ادامه می‌یابد. (Durand-Lasserve, 1998). در واقع رویکرد خیابان مدار مبنای ساماندهی و قانونی شدن تصرف زمین را فراهم می‌سازد. امنیت تصرف زمین باعث تولید سرمایه‌های خصوصی در توسعه ساخت و ساز و نوسازی مسکن می‌گردد که این امر به تولید ثروت و ارزش و بهای شهری می‌انجامد (UN-HABITAT, 2012b).

بنا به آنچه که گفته شد می‌توان چارچوب مفهومی این پژوهش را به قرار زیر ترسیم نمود:

نمودار ۱: مدل طراحی مشارکتی خیابان مدار محرک بازآفرینی



[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس بسیاری از ویژگی‌های مشترک تحقیق‌ها در دیسیپلین طراحی شهری،در واقع تحقیقی کیفی به شمار می رود و از نقطه نظر مبانی و دیدگاههای فلسفی، ترکیبی از تفسیرگرایی و تحلیل داده‌ها رادر برمی گیرد. رویکرد تفسیر گرایی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که پژوهشگر با متغیرهای کیفی سر و کار دارد. براساس این رویکرد حقیقت مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. رویکرد تحلیلی نیز با تکیه بر دانش تخصصی پژوهشگر، به تحلیل مشاهدات و برداشت‌های میدانی می‌انجامد. در تحقیق کیفی پژوهشگر نه تنها بنای کار خود را بر واقعیت‌های تجربی، مشاهده و مصاحبه می‌نهد، بلکه نشان می‌دهد که به عنوان محقق نقش مهمی در تفسیر و فهم داده‌ها برعهده دارد (گروت ووانگ، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

این پژوهش از نظر تئوریک، رویکرد بازآفرینی خیابان مدار را در محدوده‌های هدف دنبال میکند. این تئوری که اخیرا در ادبیات بازآفرینی جهان مطرح شده است، سعی در دخیل کردن حداکثری مردم در فرآیند بازآفرینی داشته و در ارتباطی تنگاتنگ با مشارکت قرار دارد. شایان توجه است که اجرای این متد در زمینه ایران که از هر لحاظ شرایط ویژه و مخصوص به خود را دارد، نیازمند بازبینی چارچوب‌ها است تا بتوان این تئوری را برای به کارگیری در کشور عزیزمان مناسب سازی کرد. رویه‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل سه تکنیک مصاحبه، مشاهده و اسناد و مدارک می‌باشد. این پژوهش در صدد به حداکثر رساندن مشارکت مردم و ساکنین در فرآیند بازآفرینی بوده و به منظور دخیل کردن آنان از تکنیک‌های گوناگونی چون برگزاری جلسات گروهی، مصاحبه، مشاهده و... کمک می‌گیرد. در نتیجه از منظر خصوصیات موضوع می‌توان این پژوهش را از نوع موردی- میدانی دانست.

تحلیل نمونه موردی

علل پیدایش اسکان غیررسمی درشهرساوه را بایستی در دو عامل کلان و خرد جستجو کرد.در سطح کلان عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و درسطح خرد عوامل متعدد از جمله برتری محلات مرکزی شهر از نظر خدمات و زیرساخت‌های شهری و طرح‌های مصوب که تا به حال شهر داشته، از عوامل پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی بوده است. بایستی توجه داشت که طرح‌های جامع و ضوابط ساخت و ساز خود عاملی اساسی در گسترش پدیده اسکان غیررسمی است(مهندسین مشاوربعد تکنیک، مرحله اول، ۱۳۸۵: ۲۲). سابقه پیدایش اسکان غیررسمی در شهر ساوه به اوایل انقلاب یعنی به سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ می رسد (مهندسین مشاوربعد تکنیک، مرحله اول، ۱۳۸۵: ۱۸).

محله عباس آباد از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ساوه است که در فاصله تقریبی ۲.۵ کیلومتر از مرکز شهر قرار گرفته است. شکل گیری این محله به سال ۱۳۷۰ بر می‌گردد. تا پیش از شکل گیری این محله، عمده اراضی آن را باغ‌های انار شکل داده بودند(مهندسین مشاور بعد تکنیک، مرحله سوم، ۱۳۸۵: ۷۸).

تصویر ۱: موقعیت محله عباس آباد در شهر ساوه



منبع: Google Earth, 2015

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

از منظر ریخت شناسی بافت، محله با شبکه‌های شطرنجی و دانه بندی‌های نسبتا منظم شکل گرفته است. چرا که مبنای شکل گیری معابر و کوچه‌ها در این محله، مرزهای قطعات زمین بوده است و به دلیل عدم وجود عارضه طبیعی در این محدوده، الگوی ارگانیکی برای شکل دادن به محورها وجود نداشته است.

تصویر ۲: نقشه کاربری‌های وضع موجود محله



تصویر ۳: درجه بندی معابر از نظر عرض در وضع موجود محله



همانطور که در نقشه مشخص است، معابر از نظر سلسله مراتب دسترسی وضع به نسبت مطلوبی دارد، اما وجود معابر با عرض ۴ متر و کمتر باعث کم شدن نفوذ پذیری بافت می‌شود. کما اینکه این دسته از معابر همگی بن بست نیز می‌باشد. به طور کلی از نظر نفوذ پذیری، با توجه به تعداد بالای معابر بن بست، محله وضع نا مطلوبی دارد و برخی از بلوک‌ها بسیار بزرگ و بدون دسترسی‌های لازم است.

در زمینه کاربری‌های عمومی و سطح برخورداری محله از این کاربری‌ها می‌توان گفت محله با کمبود کاربری‌های عمومی مواجه است. این کمبود در ارتباط با برخی کاربری‌ها قابل چشم پوشی و در برخی دیگر حاد می‌باشد. ساکنین در چنین شرایطی برای تامین نیازها و مایحتاج زندگی، بالاجبار به شهر مراجعه می‌کنند. از نظر سرانه فضای سبز و فضاهای گذران اوقات فراغت و فرهنگی هیچ نوع اقدامی در محدوده عباس آباد صورت نگرفته است و تنها فضای در دسترس برای بازی و گفتگو، معابر و زمین‌های بایر موجود در بافت است. همچنین این محله زیر پوشش شعاع عملکردی فضاهای سبز محلات دیگر یا فضاهای سبز شهری قرار ندارد.

تصویر ۴: عدم وجود فضاهایی مناسب برای گذران اوقات فراغت و فضاهای جمعی



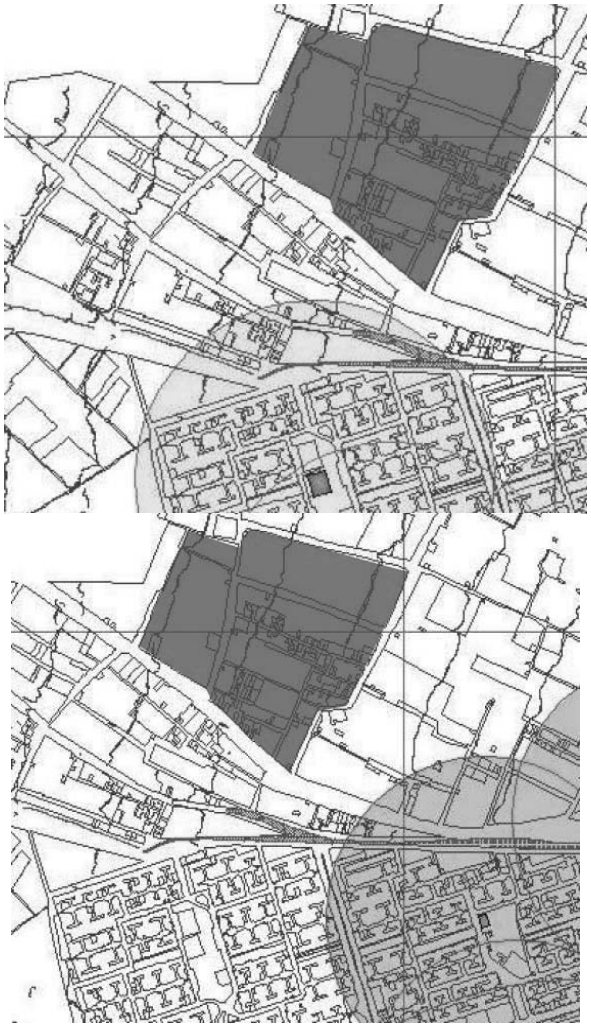


از نظر برخورداری از فضاهای ورزشی، هیچ نوع اقدامی در این محله صورت نگرفته است. از سویی دیگر دسترسی به امکانات ورزشی سایر محلات نیز به دلیل دور بودن بسیار سخت و مشکل می‌باشد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

تصویر ۵: شعاع عملکرد فضاهای سبز در مجاورت محله

تصویر ۶: شعاع عملکرد فضاهای ورزشی در مجاورت محله



طی نظر سنجی که در این محله به عمل آمد، بیشتر ساکنین این محله معتقدند که محله شان فضای عمومی بخصوصی نداشته و ساکنین برای گردهمایی و گپ و گفت از فضای کوچه‌ها و خیابان‌ها استفاده می‌کنند. فضاهایی هم که برای بازی کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در درجه نخست کوچه‌ها و در درجه بعدی زمین‌های بایر موجود در محله می‌باشد. از منظر دسترسی به شبکه‌های زیر ساختی، طبق مشاهدات و بازدیدهای میدانی که توسط پژوهشگر صورت گرفت نتایجی حاصل شد که در جدولی به قرار زیر خلاصه شده است:

جدول ۳: سطح برخورداری محله عباس آباد از خدمات و امکانات زیر ساختی

آب لوله کشی		برق		مشکل جمع‌آوری زباله		مشکل جاری بودن فاضلاب خانگی			معابر شبکه از کمتر دو متر		پوشش شبکه معابر(درصد)	
مجاز	غیرمجاز	انشعاب مجاز با کنتور	انشعاب غیرمجاز	دارد	ندارد	بله	خیر	تا حدودی	ندارد	خاکی	آسفالت	سایر
✓	✓	✓	✓	✓	–	✓	–	–	✓	✓	۱۰	۹۰

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

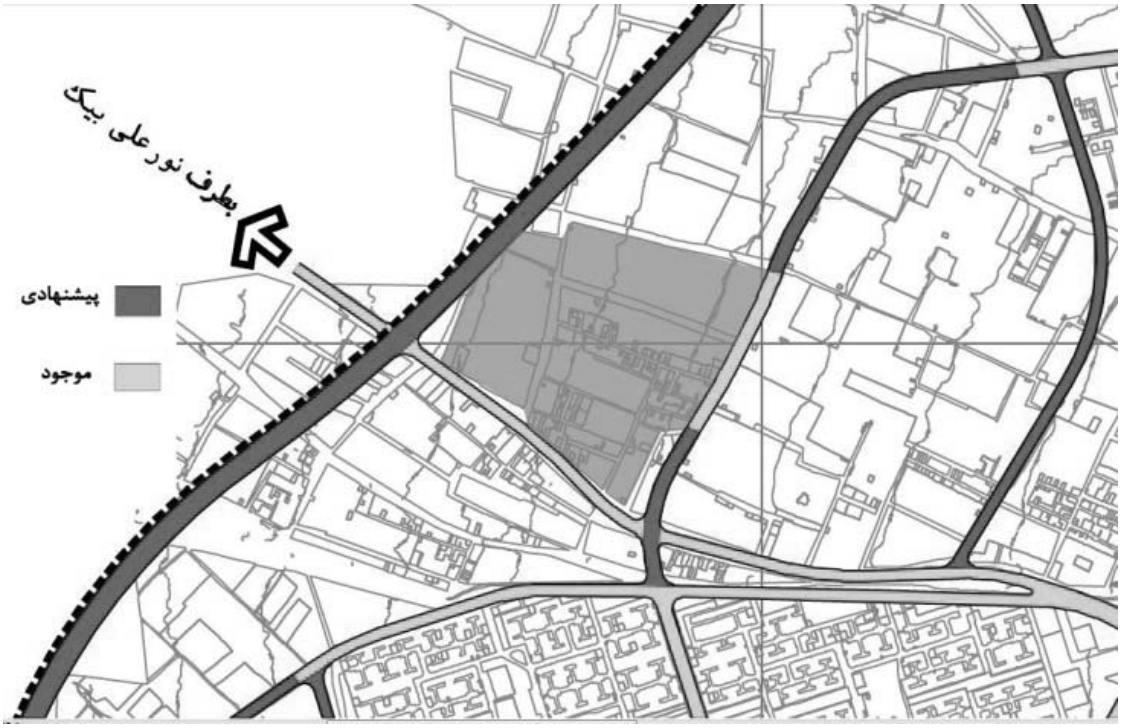
در رابطه با مسائل فرهنگی- اجتماعی، طبق اظهارات ساکنین و بررسی‌های پژوهشگر، سطح ناهنجاری‌های اجتماعی در این محله را به قرار زیر می‌توان خلاصه نمود:

جدول ۴: ناهنجاری‌های اجتماعی و شرایط آن در محله

	زیاد	متوسط	کم
اعتیاد	✓		
مواد فروشی		✓	
فساد و فحشا			✓
دعوا و درگیری			✓
دزدی		✓	
بیکاری	✓		

اما طرح جامع شهر، بخش‌هایی از محله عباس آباد را به عنوان محدوده‌ای از شهر پذیرفته و مطالعه سکونتگاه‌های غیر رسمی در دستور کار قرار داده است. خیابان کشی‌هایی که در طرح در حدود این محله پیشنهاد شده است به قرار زیر می‌باشد:

تصویر ۷: شبکه ارتباطی موجود و پیشنهادی طرح جامع ۱۳۸۸

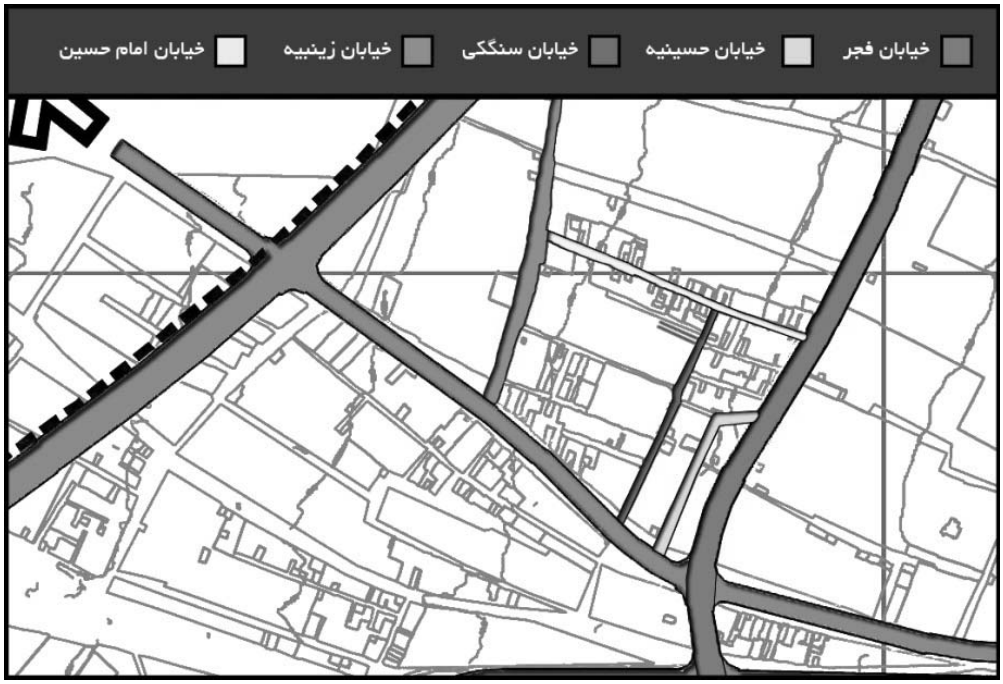


الف - شناسایی اولویت‌های خیابان مداری از نظر ساکنین و متولیان شهری

شناسایی اولویت‌های خیابان مداری باید با مشورت و نظر مردم در وهله اول و نظر متولیان شهری در مرتبه دوم انتخاب شود. در این راستا پژوهشگر با برگزاری جلسات گروهی و بحث و گفتگو پیرامون اولویت‌های ساکنین، اقدام به شناسایی اولویت‌ها نمود. در گام دوم پژوهشگر به بحث و مذاکره پیرامون اولویت‌ها با متولیان شهری پرداخت و اولویت‌های خیابان مداری را از نقطه نظر آنان شناسایی کرد.. لازم به ذکر است استقرار کاربری‌های عمومی در این معابر نسبت به سایر معابر محله بیشتر بوده و حضور ساکنین در این معابر به مراتب چشم گیر تر است. عرض این معابر نیز پیش از سایر معابر بوده و از نظر سلسله مراتب دسترسی نیز، دسترسی‌های اصلی به شمار میروند. نتیجه این اقدامات، تولید شبکه‌ای از اولویت‌های خیابان مداری است که در ادامه آمده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

تصویر ۸ : شبکه خیابان‌های اولویت خیابان مداری از دیدگاه مردم و متولیان شهری



با توجه به شاخص‌های اقتصاد، قابلیت دسترسی، بهره مندی از کاربری‌های زمین و تولید ثروت در نتیجه ارزش املاک که برای انتخاب اولویت اول برای اجرای خیابان مداری به کار می‌رود، به نظر می‌رسد بین اولویت‌های مطرح شده، خیابان فجر قابلیت‌های بیشتری برای تامین اهداف مورد نظر خواهد داشت. امتیازدهی براساس جمع بندی نظرات ساکنین، متولیان شهری و بازدیدهای میدانی پژوهشگر صورت گرفته است.

جدول ۵: امتیاز دهی به معابر از منظر شاخص‌ها

	فجر	زینبیه	حسینیه	امام حسین	هدایت
دسترسی	۰.۹	۰.۳	۰.۵	۰.۲	۰.۶
بهره مندی از کاربری‌های زمین	۰.۷	۰.۶	۰.۶	۰.۳	۰.۶
تولید ثروت در نتیجه ارزش املاک	۰.۶	۰.۱	۰.۵	۰.۶	۰.۶
اقتصاد	۰.۶	۰.۲	۰.۵	۰.۵	۰.۲
مجموع	۲.۸	۱.۲	۲.۱	۱.۶	۲

خیابان فجر محدوده بیشتری را تحت الشعاع قرار داده و مناطق بیشتری را از انزوا خارج میکند. این خیابان با اتصال عباس آباد به سایر محلات شهر به تدریج باعث خواهد شد این منطقه با کالبد شهر ادغام شده و به عنوان یکی از محلات رسمی شهر شناخته شود. از سوی دیگر متولیان شهری معتقدند این خیابان به مراتب تاثیرات بیشتری در شهر ایفا خواهد کرد. با توجه به جمیع موارد گفته شده، خیابان فجر به عنوان اولویت خیابان مداری از نظر ساکنین، از نظر متولیان شهری و پژوهشگر شناخته شد.

ب- تدوین برنامه خیابان مدار محرک بازآفرینی محله عباس آباد

هدف کلان برنامه خیابان مدار محرک بازآفرینی محله عباس آباد را می‌توان **"خیابان به عنوان فضای عمومی و همه جانبه"** ذکر نمود. برای دستیابی به این هدف کلان، نیازمند اتخاذ اهداف خرد، راهبردها و سیاست‌های اجرایی و عملیاتی هستیم.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

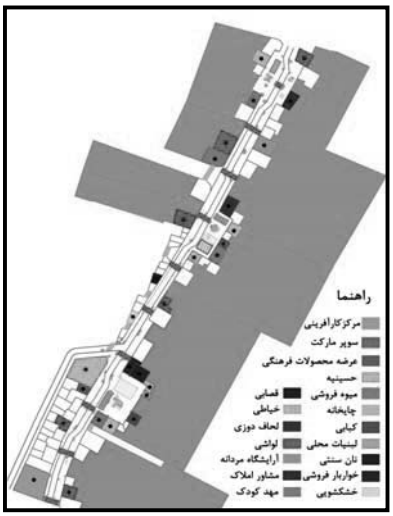
جدول ۶: اهداف عملیاتی و راهبردها

اهداف	راهبردها
خیابان به مثابه محیطی قابل زیست و سالم	کم بودن آلودگی‌های محیط
	کم بودن سر و صدا
	ایمنی
	عدم غلبه فضا بر انسان
خیابان به مثابه یک اجتماع محلی	وجود نظارت اجتماعی
	قابل پیش بینی بودن فضا
	وجود بهانه‌های لازم برای حضور ساکنان در فضا
	امکان برخورد عاملانه استفاده کننده با فضا
	استفاده از فضا در انحصار ساکنین محله
خیابان به مثابه عضوی از بافت زمینه	برخورداری از سلسله مراتب در قیاس با خیابان‌های شهری
	برخورداری از سلسله مراتب در قیاس کوچه‌ها و بن بست‌ها
	معلوم بودن سکانس‌های درون خیابان
خیابان به مثابه محیطی سبز	انتخاب پوشش گیاهی مناسب
	استقرار مناسب پوشش گیاهی
خیابان به مثابه مجموعه فرهنگی	تجهیز فضا
	استقرار کاربری‌های فرهنگی
خیابان به مثابه مکانی برای بازی و یادگیری	تجهیز فضا
	استقرار کاربری‌های گذران اوقات فراغت
	کم کردن ازدحام خودروها
خیابان به مثابه عرصه اقتصادی و امرار معاش	تجهیز فضا برای فعالیت‌های اقتصادی موقت
	استقرار واحدهای تجاری در مقیاس محلی
خیابان به مثابه بستری برای زیرساخت‌ها	تجهیز فضا

تصویر ۹: پلان عملکردی خیابان فجر



تصویر ۱۰:پلان سیاست گذاری خیابان فجر



[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

در سکانش بندی این خیابان سعی بر آن بوده که ضمن ایجاد تنوع و تشویق عابر به پیاده روی، از القای حجم بالایی از اطلاعات با تنوع زیاد پرهیز شود. ضمن اینکه هر یک از سکانس‌ها به نوبه خود دارای شخصیتی مشخص و قابل درک هستند. از تنگی و گشادی فضا برای ایجاد حس تباین فضایی بهره گرفته شده است. همچنین کاربری‌های متنوع و در مقیاس محلی در قسمت‌های مختلف این معبر به فراخور نیاز مستقر شده است. نکته مهم در خصوص استقرار کاربری‌ها آن است که کاربری‌ها محلی بوده و جاذب جمعیت از خارج از محدوده نباشد.

نتیجه‌گیری

جای شک دارد که اگر زندگی در شهر حداقل مزیت‌ها و امتیازاتی را نسبت به زندگی در روستا نداشت، خیل عظیم ساکنین در سکونتگاه‌های غیررسمی حاضر بودند خانه و کاشانه شان را در روستا به امید یافتن شرایط بهتر زندگی از دست بدهند. از جمله جاذبه‌هایی که سبب مهاجرت این جمعیت عظیم می‌شود، دسترسی بهتر به امکانات و خدمات گوناگون، زمینه اشتغال بیشتر و زندگی اجتماعی در بافت شهر است. یکی از اساسی ترین نیازهای انسان، زندگی در اجتماع و برقراری تعاملات اجتماعی است. بستر شکلگیری این تعاملات فضاهای عمومی شهر است. در این قبیل سکونتگاه‌ها، نیاز به فضای عمومی به مراتب بیشتر از سایر نقاط شهر بوده و نقشی پررنگ تر در زندگی ساکنین ایفا می‌کند. در این راستا هدف اصلی برنامه ریزی و طراحی شهری در این محدوده‌ها باید ارتقا فضاهای اجتماعی و عمومی باشد. از آنجا که مهمترین و کارآمدترین فضای عمومی در این قبیل از سکونتگاه‌ها خیابان‌ها و معابر می‌باشد؛ لذا لزوم توجه به این فضاها به عنوان فضای عمومی ضرورتی است که باید از سوی متخصصین مورد بازبینی قرار گیرد. چرا که خیابان‌ها ضمن ایجاد انسجام فیزیکی، انسجام اجتماعی، اقتصادی و هویتی در این محلات ایجاد می‌کنند. پافته‌های پژوهشگر در جریان مطالعات میدانی نشان می‌دهد ساکنین این محدوده‌ها پیوستگی شدیدی به خیابان داشته و آماده فرآیندهای مشارکتی در راستای بهسازی خیابان‌ها هستند. با توجه به جمیع موارد گفته شده می‌توان گفت از طریق ارتقا و ساخت خیابان در این مناطق، بازآفرینی در این محدوده‌ها عملی خواهد بود. امید است که این پژوهش آغازگر راهی باشد که به ارتقا شرایط زندگی در این سکونتگاه‌ها بیانجامد.

منابع

- اپلیارد، دونالد. (۱۳۸۲). خیابان‌ها می‌توانند باعث مرگ شهرها شوند. ترجمه نوین تولایی، مجله آبادی، شماره ۳۹، ۷۳-۸۳.
- ایزدی، م.، و فیضی، ر. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، نشریه هفت شهر، شماره ۳۳-۳۴.
- آراسته، م. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه تطبیقی کیفیت فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های خودرو؛ نمونه موردی محلات اسلام آباد و ده ونک تهران. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، ۱۰۷- ۱۳۰.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). مبانی نظری وفرآیندطراحی شهری. وزارت مسکن وشهرسازی، چاپ اول، تهران.
- پوراحمد، ا.، و حبیبی، ک.، و کشاورز، م. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره اول، ۷۳- ۹۲.
- پیران، پ. (۱۳۸۲). اجتماعات آلونکی پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه‌نشینی، سال سوم، شماره ۳۲.
- توپچی ثانی، ع.، و محمدی، م. (۱۳۸۹). بازآفرینی پایدار شهری، همایش بافت فرسوده شهری شیراز، شیراز، ۱-۲۱.
- حاجی پور، خ. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله مبنا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۳۷- ۴۶.
- حبیبی، م.، و مقصودی، م. (۱۳۸۱). مرمت شهری. انتشارات دانشگاه تهران.
- داداش پور، ه.، و علیزاده، ب. (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین، انتشارات آذرخش.
- داوودپور، ز. (۱۳۸۴). کلان شهر تهران و سکونتگاه‌های خودرو. نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- رهنمایی، م.، و اشرفی، ی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهری و نقش آن در شکل گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری. نشریه انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۱۴ و ۱۵، ۲۳-۴۵.
- شکویی، ح. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- صداقت رستمی، ک.، و اعتماد، گ.، و بیدرام، ر.، و ملاذ، ج. (۱۳۹۰). تدوین شاخص‌های شناسایی بافت‌های ناکارآمد. مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، سال اول، شماره اول.
- صرافی، م. (۱۳۸۱). اسکان غیررسمی. نشریه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]

- صرافی، م. (۱۳۸۱). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر. فصلنامه هفت شهر، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره ۹ و ۱۰، ۳-۶
- صرافی، م. (۱۳۸۱). ضرورت اتخاذ راهبرد توانمندسازی. مجله هفت شهر، شماره هشتم، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- کارمونا، م.، و هیت، ت.، و اک، ت.، و تیسدل، ا. (1388). مکانهای عمومی و فضاهای شهری. ترجمه دکتر فریبا قرائی و همکاران، انتشارات دانشگاه هنر تهران، تهران.
- لطفی، س. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تاملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵.
- مهندسین مشاور بعد تکنیک. (۱۳۸۵). توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ساوه، مرحله اول، بررسی گستره فقر شهری و شناسایی محله‌های فقیرنشین (سکونتگاههای غیررسمی).
- مهندسین مشاور بعد تکنیک. (۱۳۸۵). توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ساوه، مرحله سوم، گزارش ساخت و ساز غیرمجاز درمحدوده مصوب شهرساوه.
- نقدی، ا.، و صادقی، ر. (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری؛ با تاکید بر شهر همدان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۲۱۳-۲۳۳.
- Batey, P. (2000). Urban Regeneration in Britain: Progress, Principles and Prospects, International Symposium on Regeneration of City Down Town.
- Brown, A. (2006). Contested Space. Street trading, public space, and livelihoods in developing cities. Rugby: ITDG Publishing, Cardiff University.
- Durand-Lasserve, A. (1998). pp 233-273
- Garcia-Roman ,M.D & Ortiz, A and Maria prats(2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral neighborhood of Barcelona, Cities, Vol. 21, No. 3, p. 215–223.
- Gehl, J. (2006). Life between buildings: using public space. 6. ed. Kbenhavn: The Danish Architectural Press.
- Google Earth, 2015
- Hamdi., N & Goethert, R. (1997). Action Planning for Cities - A guide to Community Practice. England: John Wiley & Sons Ltd.
- Hernandez- Bonilla, M. (2001). Public Spaces in the Urban Popular Habitat of Mexico: The Case of Xalapa, Veracruz. Forum Journal 5(1): 27-35.
- Hernández-Garcia, J. (2010). Production and Consumption of Open Spaces in Popular Settlements in Bogotá, Faculty of Humanities and Social Sciences, School of Architecture, Planning and Landscape, University of Newcastle upon Tyne.
- Hernandez-Garcia, J. (2012). Open Spaces in Informal Settlements in Bogota, Expressions of Attachment and Identity
- Lang, T. (2005). Insights in the British Debate about Urban Decline and Urban Regeneration, Working Paper, Erkner, Leibniz-Institute for Regional Development and Structural Planning.
- Lichfield, D. (2000). The Context of Urban Regeneration, in Urban Regeneration. Sage Publications Ltd.
- Lieberg, M. (1995). Teenagers and Public Space. Communication Research. December. Vol 22, no.6.
- Lynch, K. A. (1960). The image of the city. USA: Massachusetts Institute of Technology.
- Mitchell, D. (2003). The Right to the City. Social Justice and the Fight for Public Space. New York: The Guilford Press.
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. London: Journal of Urban Design, Vol. 3, No.1, 1998
- Roberts, P., & Sykes, H. (2000). Urban Regeneration, Handbook, Londan: Sage Publications.
- Schouten, M.A and R.W. Mathenge. (2010). Communal sanitation alternatives for slums: A case study of Kibera, Kenya, journal homepage: www.Elsevier.com/locate/pce, pp: 515-822
- Srinivas, H. (1997). Networking for Urban Environments: The Urban Environmental Management Research Initiative" in HSD 20/200: Planning Education, Research and Practice in Asia into the Year 2000. Human Settlements Development Programme, Asian Institute of Technology, Bangkok, Thailand, 10-13 December, 1997
- Staeheli, L.A. & Mitchell, D. (2008). The people's property? Power, politics, and the public. Oxon: Routledge.
- Tuan, Y-F. (1974). Space and place: humanistic perspective. Progress in Geography 6: 211-252
- UNEP.(2004). Guidelines for Urban Regeneration in the Mediterranean Region, Priority Actions Programme Regional Activity Centre, Split.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1225602.1395.5.18.6.0]

- UN-HABITAT. (2011). Building Urban Safety through Slum upgrading. Nairobi: UNHABITAT.
- UN-HABITAT. (2012a). Korogocho Sreetscapes, (2012); documenting the role and potentials of streets in citywide slum upgrading, Published by UN-HABITAT, Nairobi, Kenya.
- UN-HABITAT. (2012b). Streets as tools for urban transformation in slums:A STREET-LED APPROACH TO CITYWIDE SLUM UPGRADING
- UN-HABITAT. (2013). Streets as public spaces and drivers of urban prosperity, First published in Nairobi in 2013 by UN-Habitat.
- Urban Task Force. (1990). Toward an Urban Renaissance, A Report of Urban Task Force 1990, UK.
- Walzer, M. (1986). Pleasures and costs of urbanity. Dissent 33(4).pp470-475
- WHO. (1999). PEOPLE LIVING IN INFORMAL SETTLEMENTS, Environmental health indicators: framework and methodologies.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.18.6.0]